

# اسرار موفقیت

## تبلیغ

از دیدگاه

# نهج البلاغه



محمد سبحانی ناچگی

اسرائیل و دعوت فرعون به سوی خدا، بسا دنیایی از مشکلات، درگیریها، جنگها و تندخوییها و... روبرو می شود، دست نیاز به درگاه بی نیاز برمی دارد و عاجزانه از خداوند درخواست می کند که «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»؛<sup>۱</sup> «پروردگارا سینه مرا گشاده دار.»

شرح صدر نعمتی است که خداوند به خاطر آن بر پیامبرش ﷺ منت می گذارد، می فرماید: «أَلَمْ نُشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛<sup>۲</sup> «ای پیامبر! مگر ما

در بخش نخست این مقاله، شش مورد از عوامل موفقیت در تبلیغ بیان گردید. اینک به بیان برخی دیگر از عوامل موفقیت مبلّغ می پردازیم.

### ۷. سعه صدر

مبلّغ که در اجتماع با افراد مختلفی سرو کار دارد و با افکار و عقاید متفاوتی روبرو می شود، چونان انبیای بزرگ الهی که وقت اعزام به تبلیغ دین خدا از خداوند شرح صدر می خواستند، باید از خداوند منان طلب سعه صدر بنماید. حضرت موسی علیّه السلام وقتی به همراه برادرش هارون، جهت تبلیغ دین خدا برای بنی

۱. طه/۲۵.

۲. انشراح/۱۷.

سیاسی، فرهنگی و عقاید مخالفین در تبلیغ امری است لازم و ضروری که اگر کسی نتواند از نعمت الهی سعه صدر استفاده کند، در امر تبلیغ دچار مشکل می‌شود. هرچقدر انسان در درگیریهایی پیش آمده قدرت و قوت خود را بکار گیرد و با تحمل، سختیها را به جان بخرد، بازده تبلیغش بیشتر خواهد بود. حضرت امیر علیه السلام در فقراتی از نامه‌ای که به عثمان بن حنیف انصاری فرماندار بصره نوشتند بامثالی زیبا ضمن فرق گذاردن بین انسانهایی که دارای توان تحمل بیشتری هستند و کسانی که از قدرت تحمل کمتری برخوردارند، فرمودند: «الْأَوَّانُ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَضَلَبَ عُمُوداً وَالرَّوَاتِعَ الْحَضِرَةَ أَرْقُ مَجْلُوداً وَالتَّائِبَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُوداً وَابْطَأَ حُمُوداً»<sup>۱</sup> آگاه باشید درختان بیابانی چوبشان محکمتر است اما درختان سرسبز [که همواره در کنار آب قرار دارند] پوستشان نازکتر [و کم دوام‌ترند]. درختانی که در بیابان

سینهات را ننگشادیم.» از این بیان فهمیده می‌شود که سعه صدر امری مهم برای یک مبلغ است.

در کار تبلیغی معمولاً سنگ اندازی، ناراحتی، غم، مشکلات، سختیها، شکستها، زخم زبانها و... بر روحیه انسان اثر می‌گذارد، یک مبلّغ موفق باید با درایت و مدیریتی خاص بتواند از کنار این ناملایمات عبور کند و با سرپنجه تدبیر برای رفع آنها بکوشد و این نیازمند شرح صدر است. امیر مؤمنان علیه السلام شرح صدر را وسیله‌ای برای رهبری و ریاست می‌دانند و می‌فرمایند: «أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ»<sup>۲</sup> وسیله و ابزار ریاست، سعه صدر است. در جای دیگر حضرت علی علیه السلام قدرت و توان بالای تحمل دیگران و گشادگی سینه را از صفات یک فرد مؤمن می‌شمارند و می‌فرمایند: «أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا»<sup>۳</sup> [مؤمن] سینه‌اش از هر کس گشاده‌تر است.»

به سخن دیگر یک مبلّغ موفق باید دارای سینه‌ای گشاده باشد تا بتواند همه این مشکلات را در آن جای دهد. تحمل مشکلات اجتماعی،

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶.

۲. همان، حکمت ۳۳۳.

۳. همان، نامه ۴۵.

زمان منطبق نماید و به تناسب زمان خویش نسبت به سطح فرهنگ، روشها، بینشها و عقاید و رسومات مردم محل تبلیغ، اطلاع کافی داشته باشد. به سخن دیگر برای یک مبلغ که کارش تبلیغ دین برای نسل زمان حاضر است، شناخت «مردم زمان» و «سطح فرهنگ» آنها امری ضروری است، چنان که خود علی علیه السلام به فرزندشان امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَنْظُرَ فِي شَأْنِهِ فَلْيَحْفَظْ لِسَانَهُ وَلْيَعْرِفْ أَهْلَ زَمَانِهِ؛<sup>۱</sup> فرزندم! انسان عاقل چاره ندارد جز آن که در موارد مهم خود نظر افکنده زبان خود را حفظ کند و اهل زمان خویش را بشناسد.»

شناخت دقیق مخاطبان و گیرندگان پیام یکی از وظایف عمده مبلغان و مربیان بشمار می آید. چه بسیار مبلغان و پیام رسانانی که علی رغم دارا بودن بسیاری از امتیازات و امکانات به دلیل کم توجهی و بعضاً بی توجهی به این مهم، در

روئیده و جز با آب باران سیراب نمی گردند، آتشیان شعله ورتر و پردوام تر است.»

مبلغان اعزامی به مناطق مختلف کشور که با انواع و اقسام محرومیتها و مشکلات مواجه می شوند، باید با سعه صدر چون درختان بیابانی با تحمل شدائد در راه تبلیغ دین خدا، با شعله های بیشتر و پرتوانتر انسانهای بیشتری را جذب فرهنگ اهل بیت علیهم السلام کنند. بقول مولوی:

پرده های دیده را داروی صبر

هم بسوزد هم بسازد شرح صدر

#### ۸. مخاطب شناسی

انسان از آن جا که آزاد آفریده شده و دارای اختیار و آزادی است، سعی دارد تحولات تازه ای را در زندگی خویش ایجاد نماید. بطوری که همواره طالب تغییرات در وضع زندگی و ایجاد شرایط بهتر در محیط زندگانی است. مردم هر عصر و زمانی برای زندگی بهتر ناچارند خویشتن را با تحولات نوین همان زمان منطبق نمایند و از تحولات زمانه عقب نمانند. مبلغ دینی هم باید خود را با شرایط

۱. امالی طوسی، ص ۱۴۶، المجلس الخامس، انتشارات دارالافتاء، قم.

ناآشنایی با سطح مخاطبان خویش نتواند آن چنان که شایسته است، پیام خود را انتقال دهد، مبلغ باید بداند با چه گروه سنی در ارتباط است و هر کدام از اصناف و گروهها دارای چه خصوصیتی هستند تا سخنی مناسب و درخور فهم آنها بیان کند.

قرآن کریم روح بعضی از انسانها و مخاطبین را به زمین آماده‌ای تشبیه می‌کند که با نزول باران سبز می‌شود و در مقابل بعضی را چون زمین شوره زاری می‌داند که جز خار و خاشاک روئیدنی دیگری ندارد. گاه قلب بعضی را مثل سنگ نفوذناپذیر و بعضی را چنان آماده معرفی می‌کند که با شنیدن سخن حقی، اشک شوق برگونه‌هایشان جاری می‌شود. مبلغان دینی باید قبل از تبلیغ و ابلاغ پیام، خصوصیات کامل مخاطبین خود را از جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار دهند، چرا که شناخت مخاطبین و «سطح فرهنگ» آنها، در رساندن معارف الهی

جلب و جذب مخاطبان ناکام و ناتوان مانده‌اند. امام خطبا نه تنها خود از شناخت کافی مخاطبان خویش برخوردار بود، بلکه نسبت به سطح فرهنگ مناطق دیگر کشور اسلامی نیز دارای اطلاعات لازم بود، به طوری که خصوصیات مردم مناطق را برای فرمانداران آنجا بیان می‌کرد؛ چنان که در سال سی و شش ه.ق پس از جنگ جمل در نامه‌ای به عبد الله بن عباس فرماندار بصره فرمودند: بدان که بصره امروز جایگاه شیطان و کشتزار فتنه‌هاست. با مردم آن به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای. بد رفتاری تو را با قبیله بنی تمیم و خشونت با آنها را به من گزارش دادند، و نیز فرمودند: «وَأَنَّ بَنِي تَمِيمٍ لَمْ يَغِبْ لَهُمْ نَجْمٌ إِلَّا طَلَعَ لَهُمْ أَحْرٌ وَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْبُقُوا يَوْمَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَلَا إِسْلَامًا؛ همانا بنی تمیم [مردانی نیر و مندند که] هرگاه دلاوری از آنها غروب کرد، سلحشور دیگری جای آن درخشید و در نبرد در جاهلیت و اسلام کسی از آنها پیشی نگرفت.»

چه بسا یک مبلغ به جهت

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۸.

مَنْبَرٍ يَفْرَعُهُ... وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ  
 الْأَخِرَةِ وَلَا يَطْلُبُ الْأَخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، قَدْ  
 طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَقَارَبَ مِنْ حَطْوِهِ وَسَمَّرَ مِنْ  
 تَوْبِهِ وَزَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَاتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ  
 ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ. وَمِنْهُمْ مَنْ أَبْعَدَهُ عَنْ طَلْبِ  
 الْمُلْكِ صُورَةَ نَفْسِهِ وَانْقِطَاعَ سَبَبِهِ فَقَصَّرَتْهُ  
 الْحَالُ عَلَى خَالِهِ فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ وَتَزَيَّنَ  
 بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ وَلَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاجِحِ  
 وَلَا مُغْدِيٍّ؛<sup>۱</sup>

[در این روزگاران] مردم چهار  
 گروهند، گروهی از آنها اگر دست به  
 فساد نمی‌زنند، برای این است که  
 روحشان ناتوان و شمشیرشان کند  
 است و امکانات مالی در اختیار ندارند.  
 گروه دیگر آنان که شمشیر کشیده و شر  
 و فسادشان را آشکار کرده‌اند،  
 لشکرهای پیاده و سواره خود را  
 گردآورده و خود را آماده [کشتار  
 دیگران] کرده‌اند و دین خود را برای به  
 دست آوردن مال دنیا یا ریاست و  
 فرماندهی گروهی یا منبری که بر آن فرا  
 رفته [خطبه بخوانند]، تباہ کردند....  
 گروهی دیگر با اعمال آخرت دنیا

اهمیت خاصی دارد. امام علی علیه السلام در  
 بیانات خود نسبت به مخاطبین دارای  
 مواضع گوناگونی بودند و نسبت به  
 طرف مقابل با توجه به سطح فهم و  
 آگاهی او سخن می‌گفتند. روش  
 برخورد امام با دشمن مهاجم،  
 منحرفات و منافقان نفوذی فرق  
 داشت. همچنان که نسبت به قاضی  
 خطاکار، مردم بی‌وفای کوفه، بانوان،  
 جوانمردان، چاپلوسان، خویشاوندان،  
 دوستان، شکست خوردگان، فراریان،  
 متجاوزان، مدیران، نیازمندان،  
 کارگزاران و... برخوردهای متفاوتی از  
 خود نشان می‌داد و به تناسب طرف،  
 سخنی در خور شأن آنها بیان  
 می‌فرمود.

آن حضرت در سال سی و هفت  
 ه.ق در مسجد کوفه در معرفی مردم  
 روزگار پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و شناساندن  
 مخاطبین فرمودند: «وَالنَّاسُ عَلَيَّ أَرْبَعَةٌ  
 أَصْنَافٍ، مِنْهُمْ مَنْ لَا يَمْتَنِعُهُ الْفُسَادُ فِي الْأَرْضِ  
 إِلَّا مَهَاتَةً نَفْسِهِ وَكَلَالَةَ حَدِّهِ وَنَضِيبُصَ وَفِرِهِ  
 وَمِنْهُمْ الْمَضْلِكُ لِسَيْفِهِ وَالْمَغْلِقُ بِسَرِّهِ  
 وَالْمُجَلِبُ بِخَيْلِهِ وَرَجْلِهِ، قَدْ أَشْرَطَ نَفْسَهُ  
 وَأَوْتَقَ دِينَهُ لِحَطَامِ يَنْتَهَرُهُ أَوْ مِقْنَبِ يَعُودُهُ أَوْ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۲.

را می‌طلبند و با اعمال دنیا در پی کسب [مقامهای معنوی] آخرت نیستند، خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند، گامها را [ریاکارانه] کوتاه برمی‌دارند، دامن خود را جمع کرده خود را همانند مؤمنان واقعی می‌آریند و پوشش الهی را وسیله معصیت [و نفاق و دورویی و دنیاطلبی خود] قرار می‌دهند. و برخی دیگر پستی [و ذلت] نفس و فقدان امکانات آنها را از به دست آوردن قدرت محروم کرده و خود را به زیور قناعت آراسته و لباس زاهدان را پوشیده‌اند. اینان هرگز در هیچ زمانی از شب و روز از زاهدان [راستین] نبوده‌اند.»

#### ۹. رعایت تناسب سخن با

##### مخاطبین

از آنجا که عقل و ایمان انسانها تفاوت دارد، مبلغ باید با هر مخاطبی به «اندازه» عقل و ایمان او سخن بگوید و چیزی را از او بخواهد که توان انجام آن را داشته باشد. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛<sup>۱</sup> ما گروه پیامبران ماوریم که با انسانها به اندازه عقلشان

سخن بگویم.»

مبلغ باید مطالب خود را در خور فهم شنوندگان بیان کند و تناسب لازم را بین سخن و شنونده رعایت کند و هر مطلبی را برای هر شنونده‌ای بیان نکند. چنان که حضرت لقمان رضی الله عنه به فرزند خویش در کنار فرمان به نماز، امر به معروف و نهی از منکر را دستور می‌دهد. در حالی که غالباً فرمان به نماز را، ادای زکات همراهی می‌کند و این نیست جز تناسب سخن با مخاطب چرا که نوجوان را مالی نیست تا مورد خطاب فرمان زکات قرار گیرد.

مبلغ باید قبل از سخن، اندیشه کند و سخن را با شرایط بسنجد و اگر مصلحت بود، آن را بیان کند.

حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ فَإِنَّ كَانَ خَيْرًا أَلْبَدَءَهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَاوَّاهُ؛<sup>۲</sup> البته انسان مؤمن، هنگامی که می‌خواهد سخن بگوید، پیش خود جوانب آن را می‌سنجد. اگر تشخیص داد که [سخن

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴، حدیث ۱۵.

دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

آن حضرت در نامه خود به مالک اشتر، ضمن تاکید بر استفاده از روش تشویق می فرمایند: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُخْبِرِينَ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَذْهِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَالزِّمُّ كُلُّهُ مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ»<sup>۲</sup> هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد. زیرا این موجب می شود که نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق گردند. پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارش پاداش ده.»

در هر انسانی احساس ترس وجود دارد، آنچه مهم است، هدایت آن می باشد. اگر مبلغ بتواند از این احساس به منظور خدا ترس شدن مخاطب استفاده کند، علاوه بر اینکه این حس را در مسیر صحیح آن قرار داده، بسیاری از مشکلات اعتقادی و اخلاقی را هم از بین برده است.

باید بین تشویق و انذار موازنه ای برقرار ساخت و تا سر حد امکان از مایوس کردن مخاطبین از رحمت الهی

۱. جامی.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

گفتن به مصلحت و [خوب است، سخن می گوید و گرنه آن را ابراز نمی کند.»

هرچه خواهی بگویی ای خواجه

بکن اندیشه اول از سر هوش

گر بود خیر سامع و قایل

بگشا لب و گرنه باش خموش<sup>۱</sup>

### ۱۰. تشویق و انذار مخاطبین

یکی از نیروهایی که هر انسان از آن بهره مند است، میل به تشویق و مورد توجه قرار گرفتن است. انسان از همان دوران کودکی می خواهد رفتارهای او را تایید و تشویق کنند. وقتی به دوران نوجوانی و سر دوراهیها می رسد، نسبت به رفتارهایی که مورد تشویق قرار گرفته، اطمینان قلبی به درستی آنها پیدا می کند. به جرأت می توان گفت با شیوه تشویق و تقدیر می توان بهترین استعدادها را کشف کرده، در دلهای مخاطبین نفوذ نمود.

امام علی علیه السلام انسانها را به انجام اعمال پسندیده ترغیب می کردند، و از ارتکاب اعمال زشت به شدت برحذر می داشتند.

کاسته و آنها را بر سعی و تلاش جهت انجام اعمال و امتثال فرامین الهی تشویق کرد. علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «الْفَقِيْهُ كُلُّ الْفَقِيْهِ مَنْ لَمْ يَفْقَهُ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ وَلَمْ يُؤْمِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللهِ وَلَمْ يُؤْمِسْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللهِ؛ ا فقیه و عالم کامل آن کسی است که مردم را از رحمت الهی نومید نکند و از لطف و محبت او مأیوس نسازد و از مجازات غافلگیرانه او ایمن ننماید.»

#### ۱۱. هماهنگی عمل با گفتار

عمل مبلغ به گفتار خود، علاوه بر اینکه تبلیغ عملی است، شرط تأثیر تبلیغ نیز هست. به خصوص که مردم نسبت به شیوه زندگی مبلغ و خانواده او بسیار حساس هستند و از کسی که سخن خدا و رسول و ائمه علیهم السلام را به زبان جاری می کند، توقع صفا و اخلاص و وارستگی و پارسایی دارند. کسی که می خواهد راه پیشوایان الهی را در پیش گیرد و داعی الی الله شود، لازم است بداند که «إِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيْرٌ وَرُغَاةُ قَلِيْلٌ؛<sup>۲</sup> راویان دانش بسیارند، ولی عاملان آن اندکند.»

عمل کردن مبلغ به گفته های خود،

که فشرده ای از تعالیم الهی است، نشانه وظیفه شناسی و علامت پاکی دل و تقوای او است ولی مهمتر از انجام وظایف فردی، هدایت مردم به صراط مستقیم و نجات آنها از گمراهی و ضلالت است که این مهم را باید با عمل به نمایش گذاشت. علی علیه السلام درباره ضرورت هماهنگی علم و عمل فرمودند: «الْعِلْمُ مَقْتَرُونَ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَحَابَهُ وَالْأُزْرَحَلُ عَنْهُ؛<sup>۳</sup> دانش، همراه با عمل است، پس کسی که بداند عمل می کند و دانش، عمل را می طلبد و اگر عمل آن را همراه شود [علم برای صاحبش پایدار ماند] وگرنه از دست او خواهد رفت.»

علی علیه السلام در جاهای مختلف از نکوهش کسانی سخن می گوید که بدون عمل مردم را به فرامین الهی دعوت می کنند. آن حضرت فرمودند: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُوا الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَيَرْجَى التَّوْبَةَ بِطَوْلِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا

۱. همان، حکمت ۹۰.

۲. همان، خطبه ۲۳۹.

۳. همان، حکمت ۳۶۶.



يَقُولِ الرَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاهِبِينَ...  
 يَسْتَهِي وَلَا يَسْتَهِي وَيَأْتُرُ بِمَا لَا يَأْتِي بِحُبِّ  
 الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ وَيُنْفِضُ الْمُذْنِبِينَ  
 وَهُوَ أَخَذَهُمْ؛<sup>۱</sup> از کسانی مباش که بدون  
 عمل [صالح] به آخرت امیدوار است و  
 همراه با آرزوهای دراز امید توبه دارد،  
 در دنیا چونان زاهدان سخن می گوید،  
 اما در رفتار همانند راغبان [دنیا]  
 است... دیگران را پرهیز می دهد اما  
 خود پروا ندارد، به چیزی فرمان  
 می دهد که خود انجام نمی دهد،  
 نیکوکاران را دوست دارد، اما  
 رفتارشان را ندارد، گناهکاران را  
 دشمن دارد، اما خود یکی از گناهکاران  
 است.»

همچنین آن حضرت در نکوهش  
 عالم بی عمل فرمودند: «وَأَنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ  
 يَغْتَرِبُ عَلَيْهِ كَالْجَاهِلِ الْخَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ  
 جَهْلِهِ بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَكْثَرُ وَالْحَسْرَةُ لَهُ أَلْزَمُ  
 وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ الْوَمُ؛<sup>۲</sup> بدون تردید آدم دانایی  
 که بر خلاف دانائیش عمل می کند،  
 بسان نادانی است که از خواب جهل،  
 بیدار نمی شود. بلکه حجت علیه او  
 بزرگتر، حسرت وی دامنگیرتر و در  
 پیشگاه خدا مورد ملامت بیشتر است.»

به فرمایش حضرت امام علیه السلام:  
 علمی که جز اصطلاح و الفاظ نبود  
 جز تیرگی حجاب چیزی نفزود  
 هر چند تو حکمت الهی خوانیش  
 راهی به سوی کعبه عاشق ننمود  
 چنانکه صیاد باهوش و ماهر،  
 جهت صید، تیر تیز خود را از میان یک  
 کمان پر قدرت عبور می دهد تا به هدف  
 برسد، یک مبلغ موفق نیز باید گفتار و  
 مواعظ خود را از میان کمان «عمل»  
 عبور دهد تا بتواند قدرت سحرآمیز  
 بیان را به عرصه نمایش بگذارد و چه  
 زیبا فرمود علی علیه السلام که: «الدَّاعِيَ بِالْأَعْمَلِ  
 كَرَامِي بِالْأَوْتَرِ؛<sup>۳</sup> هر آن که مردم را دعوت  
 کند، ولی عمل نکند، همچون تیرانداز  
 بدون کمان است.»

پس وظیفه اصلی مبلغ جهت نشر  
 فرهنگ علوی این است که «إِذَا عَلِمْتُمْ  
 فَأَعْمَلُوا؛<sup>۴</sup> هنگامی که به چیزی علم پیدا  
 کردید، بر اساس آن عمل کنید.» که اگر  
 چنین شود، چونان پیامبران و ائمه

۱. همان، حکمت ۱۵۰.

۲. همان، خطبه ۱۱۰.

۳. همان، حکمت ۳۳۷.

۴. همان، حکمت ۲۷۴.

مبلّغ باید بتواند با ظرافتی خاص در خطابه خود با بیان فواید و نتایج معنوی و مادی اعمال و کردار، مخاطبین خود را جذب کند. علی علیه السلام در خطابه خود به این مهم توجه داشتند و نتایج اخروی و دنیوی افعال مخاطبین را گوشزد می کردند.

گاه می فرماید: «فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَسَأَتِي حَامِلِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانُوا مَشَقَّةً شَدِيدَةً وَمَذَاقَةً مَرِيْرَةً»<sup>۱</sup> اگر از من پیروی کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد، هر چند سخت دشوار و پر از تلخیها باشد.

و گاهی می فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، الْأَيْمَانُ بِهِ وَبِرِّسُولِهِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ، فَإِنَّهُ فِرْوَةٌ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنَ الْعِقَابِ وَحُجُّ النَّبِيِّ وَاعْتِمَادُهُ فَإِنَّهَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْحِضَانِ الدُّنْبَ، وَصِلَّةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ وَمَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ وَصَدَقَةٌ

طاهرین علیه السلام، جوانان به راه دین جذب می شوند و مانع از دین گریزی خواهد شد.

## ۱۲. ترغیب به عمل با بیان فواید و

### نتایج آن

قوانین اسلامی در عین اینکه آسمانی است، زمینی است، یعنی، بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است. علامه شهید مطهری رحمته الله در این باره می فرماید: «ما می بینیم قرآن اشاره می کند به مصالح و مفاسدی که در احکامش هست و به علاوه [این امر] جزو ضروریات اسلام است. شیخ صدوق کتابی از احادیث تالیف کرده، به نام علل الشرایع یعنی، (فلسفه های احکام) و در آن احادیثی را که در آنها اشاره ای به فلسفه های احکام هست جمع کرده است، نشان می دهد که از صدر اسلام، خود پیغمبر و ائمه علیهم السلام فلسفه ها برای احکام بیان می کردند و جزو ضروریات شیعه و اکثریت اهل تسنن - و شاید باید گفت به اتفاق اهل تسنن - این است که می گویند احکام بر مبنای مصالح و مفاسد واقعی است.»<sup>۱</sup>

۱. اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری،

ج ۲، ص ۲۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

برنامه‌ریزی در زندگی اختصاص داده است: «أَوْصِيكُمْ بِوَالِدَيْكُمْ وَأَهْلِيكُمْ وَأَنْ يَبْقَىٰ بِكُنُوفِكُمْ بِتَقْوَىٰ اللَّهِ وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ؛<sup>۱</sup> شما و همه فرزندان و هر کس که نامه‌ام به او برسد را به ترس از خدا و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.»

برای اینکه بتوانیم در امر تبلیغ اثر مثبتی بگذاریم، باید در عمل خود بازبینی کنیم، معمولاً بزرگانی که در کار خویش موفق شده‌اند از برنامه‌ریزی منظم و صحیحی در زندگی بهره جسته‌اند.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «الْمُؤْمِنُ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ، قِصَاعَةٌ يَبْجَعُ فِيهَا رَبَّهُ وَسَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَسَاعَةٌ يَخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَدُنْهَا فِيمَا يَجُلُّ وَيَجْمَلُ. وَلَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ، مَرْمَةٌ لِمَعَاشِهِ، أَوْ خُطْوَةٌ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَدَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ؛<sup>۲</sup> مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش [و عبادت] پروردگار و زمانی برای تامین هزینه زندگی و زمانی برای واداشتن

السَّرِّ فَإِنَّهَا تُكْفِّرُ الْعُظْمَىٰ وَصَدَقَةَ الْعَلَايَةِ فَإِنَّهَا تَذْفَعُ مِثَّةَ السُّوءِ وَصَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَقِي مَضَارِعَ الْهُوَانِ...؛<sup>۱</sup> همانا بهترین چیزی که انسانها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، ایمان به خدا و پیامبر او صلی الله علیه و آله و جهاد در راه خدا - که جهاد قله بلند اسلام است - و یکتا دانستن خدا - که همان فطرت [انسانی] است - و برپاداشتن نماز - که آیین ملت [اسلام] است - و پرداختن زکات - که تکلیف واجب الهی است - و روزه ماه رمضان - که سپری در برابر عذاب [الهی] است - و حج و عمره - که ناپود کننده فقر و شستشو دهنده گناهانند - و صلح رجم - که مایه فرونی مال و طول عمر است - و صدقه پنهانی - که ناپود کننده گناه است - و صدقه آشکار - که مرگ بد را باز می‌دارد - و کارهای نیکو که از ذلت و خواری نگه می‌دارد...»

### ۱۳. نظم و برنامه‌ریزی

نظم و انضباط در کارها و برنامه‌ریزی برای فعالیتهایی که انجام می‌گیرد، یکی از ارکان موفقیت هر انسانی است. علی علیه السلام یکی از مهمترین فقرات وصیت خود را به داشتن نظم و

۱. همان، خطبه ۱۱۰.

۲. همان، نامه ۴۷.

۳. همان، حکمت ۳۹۰.

به جا و به موقع صورت گیرد. مبلّغی که در جلسات سخنرانی و رفت و آمدها و وعده‌هایی که می‌دهد، نظم را رعایت کند، فعالیت‌هایش نتیجهٔ بهتری خواهد داد. اگر مبلّغ کار هر روز را در همان روز انجام دهد و به اصطلاح کار امروز را به فردا نگذارد، نتیجه خوبی از کارهای خود خواهد گرفت. حضرت علی علیه السلام توصیه می‌کنند که: «وَأَمِّنْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ»<sup>۱</sup> کار هر روز را در همان روز انجام ده [و آن را به روز بعد موکول مکن] زیرا برای هر روز کار خاصی است [که مجال انجام عقب افتادگیها را نمی‌دهد].»

#### ۱۴. مردم‌داری

یکی از عنایات خداوند به رسول گرامیش صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام این بود که قلب مبارکشان را نسبت به مردم مهربان کرده بود. به سخن دیگر آن بزرگواران و سایر ائمه اطهار علیهم السلام مردم‌دار بودند و در این کار زبانزد عام و خاص بودند و حتی دشمنان آنان به

نفس به لذتهایی که حلال و مایهٔ زیبایی است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند؛ [کسب حلال برای] تامین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا [به دست آوردن] لذتهای حلال.»

از این بیان به خوبی استفاده می‌شود که در زندگی هر انسانی حاکم بودن نظم و برنامه‌ریزی لازم و ضروری است و برای یک مبلّغ که کارش حساس است، ضروری‌تر می‌باشد.

نظم و برنامه‌ریزی در کارهای حضرت امام خمینی علیه السلام، مبلّغ موفق و بزرگی که امتی را به سعادت رسانده، شنیدنی است.

«ایشان برای مطالعه و قرائت قرآن، در کارهای مستحب و حتی زیارتها و دعاهایی که در وقت خاصی هم وارد نشده بود، وقت خاصی را تنظیم کرده بودند و هر کاری را بر طبق همان زمان‌بندی و تنظیم خاص انجام می‌دادند.»<sup>۱</sup>

پیاده کردن نظم و انضباط در کارها، موجب می‌شود که هر کاری

۱. پا به پای آفتاب، امیررضا ستوده، ج ۲، ص ۱۷، نشر پنجره.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

این بزرگواری معترف بودند.

یکی از وظایف مهم مبلغ این است که مردم را بشد و رسیدگی به خواسته‌های مردم را در محل تبلیغ از اولویتهای کاری خویش قرار دهد که در سایه این عمل، بقای نعمتهای خدادادی را نیز فراهم می‌سازد. حضرت امیر علیه السلام به جابر فرمودند: «ایا جَابِرٌ مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ فَمَنْ قَامَ اللَّهُ فِيهَا بِمَا يَجِبُ فِيهَا عَرَّضَهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ وَمَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَّضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ؛<sup>۱</sup> ای جابر! کسی که نعمتهای خدا زیاد نصیب وی گشت، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد، در این صورت آن کس که در این حاجتها به آنچه در آنها واجب است، قیام کرد، خداوند نعمتها را بر او جاودانه سازد و آن کس که حقوق واجب الهی نعمتها را نپردازد، خداوند آن را به زوال و نابودی کشاند.»

حضرت علی علیه السلام در یک بیان کلی، روش معاشرت با مردم را چنین تبیین می‌کنند که: «خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنَّ مِثْمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عَشِيتُمْ حَسُوا إِلَيْكُمْ؛<sup>۲</sup> آنگونه با مردم زندگی کنید که

اگر از دنیا رفتید، برایتان گریان و آنگاه که در کنار آنان بسر می‌برید، به شما عشق بورزند.» پس لازم است که مبلغ دینی در برخورد با توده مردم اولاً: عدل و انصاف را رعایت کند و با اقشار مختلف منصفانه برخورد نماید چنانکه فرمود: «أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَمِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَمَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ؛<sup>۳</sup> نسبت به مردم از جانب خود، نزدیکان، و هواداران خود انصاف را رعایت کن.» و ثانیاً: در برخورد با مردم، مساوات را رعایت کند تا خدای نکرده کسی از برخورد او ناراضی نشود: «وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَالْإِنِّ لَهُمْ حَاجَتِكَ وَأَسْئَلُ نِيَّتَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالشَّظْرَةِ؛<sup>۴</sup> در برابر مردم، گشاده‌رو باش، نرم خویی و ملایمت را به کار آر و در ملاقات و نگاه مساوات را میان همگان رعایت کن.»

دوری از آزار و اذیت و مردم آزاری، روی دیگر سکه مردم‌داری است. مبلغ باید چنان رفتاری از خود نشان دهد که در

۱. همان، حکمت ۳۷۲.

۲. همان، حکمت ۱۰.

۳. همان، نامه ۵۳.

۴. همان، نامه ۴۶.

برخوردهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... تنها به راضی بودن مردم از خود بسنده نکند. بلکه کار را به جایی برساند که حتی کوچکترین اذیت و آزاری از او دیده نشود.

علی علیه السلام فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ... عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرًّا»<sup>۱</sup> خوشا به حال کسی که شر و بدی خود را از مردم دریغ دارد.» به قول سعدی:

خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است  
همچنین آن حضرت در نامه‌ای به همه فرمانداران شهرستانهایی که سپاه از منطقه آنها گذر می‌کرد، فرمودند: «قَدْ أَوْصَيْتَهُمْ بِمَا يَجِبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ كَفِّ الْأَذَى وَصَرْفِ الشَّدَى»<sup>۲</sup> البته به آنان توصیه کردم که آنچه را خدا از آنان خواسته است، مراعات کنند. از جمله، از مردم آزاری و ایجاد مزاحمت برای مردم خودداری کنند.»

مبلغ باید هر آنچه را برای خود ناخوشایند می‌داند، برای دیگران نیز ناخوشایند بداند و همیشه در فکر آسایش و رفاه مردم باشد تا خداوند منان هم از او و کارش راضی باشد.

به فرمایش سعدی:

حاصل نشود رضای سلطان

تا خاطر بستندگان نجویی

خواهی که خدای بر تو بخشد

بسا خلاق خدای کن نکویی

درست است که مردم‌داری شاخص

امتیاز یک مبلغ اسلام است، اما این به

معنای اعتبار همه مردم در همه زمانها

نیست. حضرت علی علیه السلام نسبت به مردم

بی اعتبار زمان خویش فرمودند: «أَصْبَحْتُ

وَاللَّهِ لَا أَصْدُقُ قَوْلَكُمْ وَلَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَلَا

أُوعِدُ الْعَدُوَّ بِكُمْ»<sup>۳</sup> به خدا سوگند امروز بدین

نتیجه رسیدم که به گفتار [و وعده‌های]

شما دل نبندم و به یاری شما امیدوار نباشم

و دشمن را به وجود شما تهدید نکنم.»

همین مردم بی اعتبار باعث غربت

امیرمؤمنان علی علیه السلام شدند؛ مردمانی که همه

وجودش را وقف آنان کرده بود به حدی که

حضرت زبان به شکوه باز کردند و

فرمودند: «رَيْدُ أَنْ أَدَاوِي بِكُمْ وَأَنْتُمْ دَائِمِي

كِنَاقِشِ السُّوْكَةِ بِالسُّوْكَةِ وَهُوَ يَعْْلَمُ أَنَّ صَلَافَهَا

۱. همان، حکمت ۱۲۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۰.

۳. همان، خطبه ۲۹.

الْخَالِيَةَ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَسِيئَةٍ؛<sup>۲</sup> قلب جوان همچون زمین خالی است، هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد»، باید در ایجاد شرایط مساعد جهت رشد و نمو آنها کوشا باشیم. چرا که خداوند اسلام را طوری قرار داده که «أَوَّلُ عَفَاءٍ لِشُرَائِعِهِ»<sup>۳</sup> هرگز قوانینش غبار کهنگی به خود راه ندهد. یعنی، در هر زمانی قوانین و بیاناتش به روز است و این وظیفه یک مبلغ است که با نوآوری آموزشی، این نوآوری را ارائه دهد. در این راه استفاده از روش کلاسداری در امر تبلیغ ضروری است. بنابراین باید با روشهای استفاده از تخته و کلاسداری آشنا بود، با تبدیل کتابهای نوشتاری به سی دیهای آموزشی صوتی - تصویری اطلاعات را راحت تر در اختیار گذاشت و نیز لازم است خود مبلغ از برنامه های کامپیوتری اطلاعات کافی داشته باشد. از طرف دیگر با پیشرفت نرم افزارها و آمدن اینترنت به عرصه خبررسانی علمی که جهان را به دهکده ای کوچک تبدیل نموده، تسلط بر این فن آوری روز ضروری است.

مَعَهَا؛<sup>۱</sup> به وسیله شما می خواهم دردها [ی اجتماعی] را مداوا کنم. در حالی که شما درد [و مشکل] من می باشید، من شبیه کسی هستم که بخواد خار را به وسیله خاری دیگر بیرون آورد در حالی که می داند خار در تن او بیشتر شکند و برجای ماند.»

### ۱۵. آشنایی با ابزارهای تبلیغ

امروزه با پیشرفت تکنولوژی، خصوصاً در امر آموزش، لازم است مبلغ نکته سنج از همه ابزارهای نوین تبلیغ اطلاع کافی داشته باشد. الان تنها با یک سخنرانی و منبر سنتی - که در جای خود ضروری است، چرا که دین و مذهب را همین منبرها و سخنرانیها پابرجا و ماندگار ساخته است - نمی توان جوان و نوجوان نسل سوم انقلاب را پای دین ماندگار کرد، بلکه باید در این امر مهم از ابزارها و تکنولوژی روز جهت آشنایی آنها با معارف دین بهره جست. باید با زمان پیش رفت و از قافله نوآوریها عقب نماند.

اگر قبول داریم که نیاز نوجوانان و جوانان به معارف اهل بیت علیهم السلام بیشتر است و مطمئن هستیم که دارای قلبی پاک و قدرت جذب آنها بیشتر است و به تعبیر حضرت علی علیه السلام «قَلْبُ الْوَحْدِ كَمَا لَأَرْضِ

۱. همان، خطبه ۱۲۶.

۲. همان، نامه ۳۱.

۳. همان، خطبه ۱۹۸.